



ارزشیابی در الگوی فرایندی و دائمی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان

آزاده باواخانی^۱ *id

*^۱(نویسنده مسئول) گروه علوم تربیتی، پردیس شهید صدوقی، دانشگاه فرهنگیان، کرمانشاه، ایران، ivakhany@khuisf.ac.ir

چکیده

مؤلفه‌های مختلفی در کیفیت الگوهای آموزش هنر نقش دارند. در این پژوهش از روش کیفی، از نوع پدیدارشناسی استفاده شده است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ده نفر از اساتید با سابقه مدیر گروهی، تدریس یا مشارکت در طرح‌های بازنگری بودند که به صورت نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد استثنائی انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام و با روش کدگذاری موضوعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از مجموعه یافته‌های این پژوهش، پس از حذف کدهای مشترک، ۲۱۰ کد مفهومی استخراج شد که بیانگر تجارب اساتید در شناسایی مراحل تدوین مدل ارزشیابی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان بود. در زمینه ارزشیابی الگوی فرایندی و دائمی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان چهار مؤلفه اصلی و دوازده زیرمؤلفه دسته‌بندی شدند. یافته‌ها نشان داد که این پژوهش به ارزشیابی و نظارت بازنگری برنامه درسی آموزش هنر براساس بازخورد به فرایند بازنگری (بازخورد از روند بازنگری، ارزیابی پاسخگویی، تشخیص، بازنگری جزئی و حذف انحرافات)، ارزشیابی فرایندی بازنگری بومی (ارتقا روش‌های بازنگری، پایش مبتنی بر آگاهی از نقاط ضعف و قوت برنامه، بازبینی مداوم فرایند بازنگری، ارزیابی و مداخله در فرایند کسب شایستگی‌ها)، ارزشیابی برونداد بازنگری بومی (ارزیابی مداوم دانشجویان فارغ‌التحصیل، پایش شایستگی‌های حرفه‌ای معلمی، پایش ویژگی‌های معلم شایسته) و استمرار در ارزشیابی هر ۳ تا ۴ سال می‌پردازد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی تجارب اساتید از ارزشیابی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان.
۲. تبیین مؤلفه‌های مؤثر در ارزشیابی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان

سؤالات پژوهش:

۱. تجارب اساتید از ارزشیابی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان چگونه است؟
۲. مؤلفه‌های مؤثر در ارزشیابی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان کدام است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۱

دوره ۲۰

صفحه ۲۳ الی ۳۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۹/۲۴

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

بازنگری برنامه درسی، برنامه درسی آموزش هنر، ارزشیابی در بازنگری، دانشگاه فرهنگیان.

ارجاع به این مقاله

باواخانی، آزاده. (۱۴۰۲). ارزشیابی در الگوی فرایندی و دائمی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۱)، ۲۳-۳۱.



dorl.net/dor/20.1001.1.*
***** ** ** ** **/



dx.doi.org/10.22034/IAS
.۲۰۲۳.۴۱۱۸.۰۶.۲۲۶۹

مقدمه

امروزه تربیت هنری به یکی از دغدغه‌های دست‌اندرکاران کلان عرصه اصلاحات نظام آموزشی، بدل شده است و می‌تواند ضامن استفاده شایسته از ظرفیت بی‌کران هنر باشد به‌گونه‌ای که برخی صاحب‌نظران معتقدند در پارادایم جدید تعلیم و تربیت، حفظ استانداردهای بالای آموزشی در گرو قراردادن هنر و زیبایی‌شناسی در مرکز و به‌عنوان هسته اصلی برنامه درسی یا اصلاح نظام آموزشی است. آیزنر یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای اصلاح واقعی نظام‌های آموزشی را تدارک یک جایگاه معقول و مناسب برای هنر در برنامه درسی دانش‌آموزان می‌داند (مهرمحمدی: ۱۳۸۳). تجربه‌های مکرر نشان داده است که وقتی هنر از طریق برنامه جامع آموزش داده می‌شوند به بهبود آن دسته از مهارت‌های شناختی دانش‌آموزان می‌انجامد که در سایر حوزه‌های معرفتی (موضوعات درسی) نیز با آن سروکار دارند. این مهارت‌ها قابلیت‌های مشاهده دقیق، تجزیه و تحلیل، تعمق و تأمل، قضاوت (پرورش رویه نقادانه) و پیوند اطلاعات از منابع متعدد و متنوع تا تولید ایده‌های جدید را شامل می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، برخوردار شدن از تفکر جامع‌نگر یا کل‌گرایانه برنامه درسی کارشناسی پیوسته آموزش هنر باتکیه بر اسناد بالادستی؛ به دانش، نگرش و مهارت نسبت به حوزه‌های مختلف هنر برای معلمان را مدنظر قرار داده و تربیت‌معلمی آگاه، توانا، تسهیل‌گر و هدایت‌کننده را هدف گرفته است. از منظر تربیت هنری تولید و خلق اثر، تنها بخشی از این نوع تربیت محسوب می‌شود و لذا در این برنامه درسی بر مباحث نظری و شناختی نقد و تحلیل آثار هنری و نیز مباحث زیبایی‌شناختی تأکید بسیار شده است همچنین نکاتی کلیدی چون تقویت قدرت مشاهده، کسب علاقه و نگرش مثبت، نسبت به حوزه هنر، توجه به طبیعت و کوشش در جهت درک و حفظ آن، یادگیری مشارکتی، شناخت هنرهای ایرانی-اسلامی و بومی، پرورش خلاقیت و تخیل و غیره در این برنامه مورد توجه خاص قرار گرفته است. برنامه‌ریزان کلان نظام آموزش و پرورش ایران در اسناد فرادستی نگاه والایی به مقوله تربیت هنری داشتند. هدف کلی تدوین برنامه درسی آموزش هنر؛ ایجاد رشته جدید، مطابق با رویکردهای حاکم بر برنامه درسی تربیت‌معلم (شایستگی‌محوری، تربیت‌محوری، تلفیقی بودن، انعطاف‌پذیری و عملگرایی) برای تربیت معلمان هنر است (موسی‌پور: ۱۳۹۴). ارزشیابی دائمی و فرایندی بازنگری برنامه درسی هنر در تربیت‌معلمانی که خود به زبان هنر آشنا بوده، تربیت هنری را در دوران تحصیل درک و تجربه کرده و در آموزش آن نیز متخصص باشند، ضرورتی مسلم است.

آیزنر (۱۹۹۴) بر این باور است که اصولاً برنامه درسی پدیده‌ای نیست که بتوان ضرورت‌ها و ویژگی‌های برجسته آن را یک‌باره کشف نمود و دائماً نیاز به پالایش دارد. بدین ترتیب نیاز به ارزشیابی دائمی فرایند بازنگری برنامه درسی وجود دارد تا بازنگری بومی با سازوکار اجرایی لازم در طول مسیر بازنگری مورد بازبینی و تشخیص نقاط ضعف و قوت قرار بگیرد و تا پایان دوره ۴ ساله به حال خود رها نشود. یو (۲۰۱۵) به بررسی این موضوع می‌پردازد که بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاه چین موضوع ساده‌ای نیست بلکه پیامد فرایند پیچیده‌ای است و تصویب بازنگری برنامه‌های درسی متمرکز از طریق مداخله عوامل و چالش‌هایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد بدون مدیریت محلی و دانشگاه محور بازنگری برنامه درسی برای تضمین تغییر و نوآوری‌هایی در عرصه عمل کافی نخواهد بود.

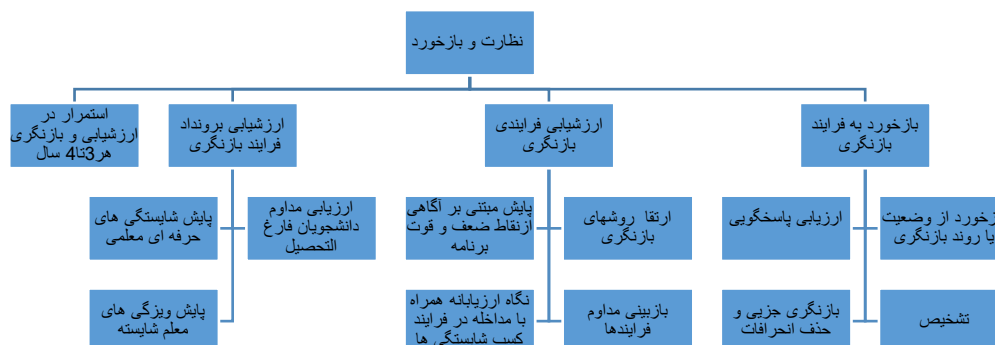
مطالعه حسین قلی‌زاده و همکاران (۲۰۱۷) مشخصات کلی برنامه درسی از قبیل عناوین درس‌های جدید به انضمام مشخصات کامل آن از قبیل اهداف کلی و ویژه درس، توانایی‌ها و انتظارات درس، سرفصل درس، روش یاددهی یادگیری و روش ارزشیابی با معرفی فهرست منابع پیشنهادی درس به تفصیل تدوین شد. آنجلا (۲۰۱۷) به بررسی ارتباط بین مؤلفه‌های رهبری چابک و بازنگری برنامه درسی پرداخته است. مؤلفه‌های رهبری چابک (انطباق^۱، تصمیم‌گیری^۲، کار گروهی^۳، توانمندسازی^۴ و مشارکت اساتید و معلمان^۵) بر بازنگری برنامه های درسی تأثیرگذار است.

باتوجه به شرایط خاص بازنگری برنامه درسی آموزش هنر که متناسب مقتضیات محلی و در نظر گرفتن شرایط بافت و زمینه اجتماعی، فرهنگی، دینی و تاریخی پتانسیل ارزشمندی را برای ارتقا کیفیت برنامه درسی ایجاد می‌کند. لذا نظر به ضرورت و اهمیت تجارب زیسته اساتید، نبود پژوهش‌های کیفی در رابطه با بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان و بر اساس پرسش پژوهش، محقق با استفاده از تجارب زیسته اساتید به تدوین عوامل مؤثر در ارزشیابی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر به صورت مطالعه پدیدارشناسی پرداخته است. از نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد استثنایی یا کرانه‌ای استفاده شده است. نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها ادامه پیدا کرد که با انجام نه مصاحبه با اساتیدی که سابقه مدیرگروهی یا مشارکت در طرح‌های بازنگری داشتند، صورت پذیرفت. روش جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. سؤالات مصاحبه به صورت باز پاسخ و براساس راهنمای مصاحبه بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش کدگذاری موضوعی^۶ استفاده شده است. در این پژوهش، منظور از نظارت و بازخورد، مؤلفه‌هایی است که در اثر تحلیل داده‌های استخراج شده از طریق مصاحبه و انجام کدگذاری‌ها به دست آمده است که در ادامه به مؤلفه‌های به دست آمده از بازنگری برنامه درسی آموزش هنر اشاره شده است.

بعد از حذف کدهای مشترک، ۲۱۰ کد مفهومی که بیانگر تجربه اساتید در زمینه عوامل مؤثر در ارزشیابی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان بود، استخراج گردید. مفاهیم ارزشیابی (نظارت و بازخورد) بازنگری برنامه درسی آموزش هنر در چهار مؤلفه اصلی و دوازده زیرمؤلفه دسته‌بندی شدند که در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است.

^۱- adaptation
^۲- decision-making
^۳- teamwork
^۴- empowerment
^۵- faculty collaboration
^۶. Thematic coding

نمودار ۱. عوامل مؤثر در ارزشیابی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان



۱. مؤلفه‌های بازنگری برنامه درسی آموزش هنر

۱/۱. بازخورد به فرایند بازنگری برنامه درسی آموزش هنر

تربیت معلم باکیفیت در بهبود کیفیت تربیت، ایجاد تناسب در سطوح آموزش و ارتقای جایگاه تدریس حرفه‌ای نقش اساسی دارد؛ در نتیجه، یکی از چالش‌های اصلی و مؤثر در دسترسی به کیفیت آموزش، ارتقای کیفیت تربیت معلم است (یونسکو، ۲۰۱۰: ۲۵). از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱: «برای اینکه ارزشیابی کنیم، پایان هر ترم برنامه رو دوره‌ای مرور کنیم. اگر از تعداد زیادی از استادها، افراد و نظرات مختلف استفاده کنیم، می‌تونیم روش‌های بهتری رو داشته باشیم.» «البته ممکنه قسمت‌هایی بر اساس مواردی که تعیین کردیم، پیش نره، باید اون قسمت‌ها رو پیدا کنیم. بازخوردهای برنامه رو پایان هر ترم یادداشت کنیم و موردی جزئی رو اصلاح کنیم در سطح پردیس‌ها.» مصاحبه‌شونده شماره ۲: «خب نتیجه و بازخوردی که از بازنگری برنامه در هر ترم می‌گیریم رو ثبت کنیم و بنویسیم چون این‌طوری به بازنگری کمک می‌کنه و تقویت میشه. همین‌طور درس‌هایی که نیاز علمی و کاری دانشجوی رو برطرف نمی‌کنه، پیدا کنیم. با ثبت همین بازخوردها از برنامه، روش‌های بازنگری رو هم می‌تونیم بهتر کنیم.»

مصاحبه‌شونده شماره ۸: با سؤال کردن از دانشجویها می‌تونیم بفهمیم که تدریس استاد با محتوای جدید همخوانی داره یا نه؟ در موارد جزئی میشه؛ منبع درس توسط استاد بازنگری شه. در طراحی کلان برنامه درسی، عملکرد تحصیلی در دوره آموزشی، به لحاظ توجه به فرایند آموزش در طول دوره و همچنین بهادادن به آموزش‌ها و سنجش‌های رسمی در جریان نیم‌سال‌های آموزشی، این مؤلفه در نظر گرفته شد (موسی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۲).

۱/۲. ارزشیابی فرایندی بازنگری

عناصر و مؤلفه‌های استخراج شده برای ارزشیابی فرایندی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر؛ ارتقا روش‌های بازنگری، پایش مبتنی بر آگاهی از نقاط ضعف و قوت برنامه، بازبینی مداوم فرایندها، نگاه ارزیابانه با مداخله در فرایند کسب شایستگی‌ها هستند.

بهبود مستمر یکی از تعاریف رایج در تعریف کیفیت است که به‌طور ویژه‌ای لوران و همیلتون (۲۰۱۶) آن را به‌کار برده‌اند. ایشان معتقدند تمامی عناصر و اجزای نظام تربیت‌معلم باید دارای برنامه مشخص برای بهبود مداوم و مستمر باشند و بخش آموزش و آماده‌سازی باید دارای برنامه ویژه‌تر باشد؛ بدین معنا که اساس تربیت‌معلم، آموزش و روش‌های بلوغ دانشجو معلمان است. در زمینه بهبود مستمر، توجه به نقاط قابل‌بهبود و سیاست‌گذاری و اقدام برای اجرای بهینه، اصل اساسی است و بسیاری از آن به تضمین کیفیت یاد می‌کنند (ورما، ۲۰۱۴: ۱۵).

از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۱: «یا سوال کنیم یا در عمل ببینیم که فارغ‌التحصیل‌ها در کار عملی کلاس موفق‌اند، براساس مطالبی که آموزش دیده‌اند». «برای ارزیابی دانسته‌های معلمی دانشجویها براساس برنامه بازنگری شده، آزمون پایان ترم‌ها به نظرم مناسب‌اند. باید دانش و اطلاعات برای بهتر معلمی کردن رو با این برنامه داشته باشن». مصاحبه‌شونده شماره ۳: «خب در دانشجویها تغییر در دیدشون و علاقه به معلمی رو می‌تونیم بسنجیم. مثلاً: با اینکه علاقه‌مند به تدریس در کارورزی هستند، بسنجیم».

مصاحبه‌شونده شماره ۴: «برای اینکه توانایی تربیت بچه‌ها رو داشته باشه، در کارورزی شایستگی تربیتی دانشجویها رو می‌بینیم. مصاحبه‌شونده شماره ۶ بیان می‌کند «اصلاً برای اینکه به دونیم موفق بودیم؛ فارغ‌التحصیل مون باید توانایی پیدا کردن جواب سؤالاتش با استفاده از منابع مختلف داشته باشه و توانایی به‌کاربردن اطلاعاتش رو در عمل داشته باشه».

در طراحی کلان برنامه درسی؛ در آزمون عملکردی، چگونگی اقدام مؤثر دانشجو در برابر موقعیت‌های تدریس واقعی مورد سنجش قرار می‌گیرد. لذا به‌منظور آگاهی از صلاحیت‌های دانشجویان لازم است نحوه عمل آنان در جریان تدریس، مورد مشاهده و قضاوت قرار گیرد (موسی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۸).

۱.۳. ارزشیابی برون‌داد فرایند بازنگری برنامه درسی آموزش هنر

مصاحبه‌شونده شماره ۳: «خب در دانشجویها تغییر در دیدشون و علاقه به معلمی رو می‌تونیم بسنجیم. مثلاً: با اینکه علاقه‌مند به تدریس در کارورزی هستند، بسنجیم». همچنین مصاحبه‌شونده شماره ۶: «با آزمون جامع پایان دوره هم میشه؛ بازنگری رو کلی ارزیابی کرد یا با واحدهای نظری و روش تدریس‌ها بفهمیم که معلم مستقل و بانگیزه‌ای داریم.» همچنین در جای دیگری بیان می‌کند: «اصلاً برای اینکه به دونیم موفق بودیم؛ فارغ‌التحصیل مون باید توانایی پیدا کردن جواب سؤالاتش با استفاده از منابع مختلف داشته باشه و توانایی به‌کاربردن اطلاعاتش رو در عمل داشته باشه و به کارش تعهد داشته باشه. این‌طوری میتونه مفاهیم رو به‌خوبی انتقال بده. بر اساس نظر همین‌ها هم آخر دوره، بازنگری رو تکرار کنیم».

براساس طراحی کلان برنامه درسی تربیت‌معلم، مصوب مهرماه ۱۳۹۴؛ منظور از ارزشیابی صلاحیت‌های (شایستگی‌های) حرفه‌ای معلمی (اصلاح)؛ طی دوره تحصیلی به معنای کسب ابعاد کلیدی شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان است. این موضوع وقتی می‌تواند نشان‌دهنده تحقق شایستگی حرفه‌ای معلمی به‌عنوان یک کل واحد باشد که

دانش‌آموختگان در آزمون پایانی مشارکت کنند و شواهد لازم برای احراز شایستگی را ارائه نمایند. ارزشیابی صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمی به‌عنوان فعالیت تجمیعی برای تشخیص این شایستگی است (همان: ۱۲).

۱/۴. استمرار ارزشیابی و بازنگری هر ۳ تا ۴ سال

درحالی‌که برنامه‌ریزی‌ها و بازنگری‌های متمرکز و مقطعی معطوف به بررسی‌های کلان است، برنامه‌ریزی‌های نامتمرکز که معمولاً در خود مؤسسات آموزشی صورت می‌گیرد، فرایندی دائمی است و بازنگری و ارتقای مداوم کیفیت برنامه‌های آموزشی و درسی را مدنظر دارد (سلیمی، ۱۳۹۳: ۷۳). مصاحبه‌شونده شماره ۱: «باید هر ۳ سال براساس آیین‌نامه بازنگری کلاً برنامه رو بازنگری کنیم. البته قبلش باید دستورالعمل‌های قبلی رو اصلاح کنیم». مصاحبه‌شونده شماره ۳: «اما در کل بازنگری رو هر ۴ سال باید مجدد انجام بدیم». مصاحبه‌شونده شماره ۶: «براساس نظر همین‌ها هم (فارغ‌التحصیل‌ها) آخر دوره، بازنگری رو تکرار کنیم». «با آزمون جامع پایان دوره هم میشه؛ بازنگری رو کلی ارزیابی کرد».

ارزشیابی پایانی به دنبال داده‌هایی است که نشان‌دهنده میزان دستیابی فراگیران به هدف‌های نهایی برنامه درسی است (مارش و ویلس، ۲۰۰۷: ۱۸).

در طراحی کلان برنامه درسی؛ پیامد یادگیری به معنای توانایی‌هایی است که انتظار می‌رود یادگیرنده پس از نوعی درگیرشدن با فعالیت‌های یادگیری، کسب کند و در موقعیت‌های جدید آن را به‌کار گیرد. تبیین اهداف برنامه درسی در قالب پیامدهای یادگیری این امکان را فراهم می‌کند که بین فرایند آموزش و ارزشیابی پیوند عمیقی شکل گرفته و عملکرد دانشجویان با توجه به دانش و تجربیات آنان در سطوح مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد. این امر متضمن ایجاد انعطاف و تنوع در برنامه درسی، فعالیت‌های یادگیری و تکالیف سنجش در عین وحدت در هدف و پیامد یادگیری است. پیامدهای یادگیری به کمک ملاک‌ها و سطوح عملکردی قابل‌سنجش هستند. ملاک‌ها، خصوصیات کیفی و چندوجهی هستند که تصویر روشنی از عملکرد یادگیرنده را در سطوح مختلف بیان می‌نمایند (موسی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۴).

نتیجه‌گیری

ارزشیابی آخرین مرحله از فرایند بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان است و به‌نوعی پایش و آگاهی از نقاط ضعف و قوت برنامه در فرایند اجرای آن است. این مراقبت و توجه دائمی زمینه‌ساز بهبود و تضمین‌کننده کیفیت برنامه درسی است. به اعتقاد مک کران (۲۰۱۰) هر نوع تغییری را نمی‌توان بازنگری برنامه‌های درسی قلمداد کرد؛ مگر اینکه به توسعه و بهبود برنامه درسی موجود بینجامد. آخرین مرحله بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان، ارزشیابی (نظارت و بازخورد) است در ارزشیابی (نظارت و بازخورد) در خلال ۴ مؤلفه به برنامه درسی بازخورد داده می‌شود. در مرحله بازخورد به فرایند بازنگری؛ از وضعیت یا روند انجام بازنگری آگاهی یافته و به برنامه درسی بازخورد داده می‌شود. در ارزشیابی فرایندی؛ بهبود و ارتقا در روش‌های بازنگری برنامه درسی مدنظر است

و مورد توجه و نظارت قرارداد دائمی فرایندهای بازنگری، یافتن نقاط ضعف و قوت برنامه درسی بازنگری شده و ارزیابی و مداخله در کسب شایستگی‌های حرفه‌ای و شخصی در دانشجو معلمان، آخرین گام در ارزشیابی فرایندی است. در مؤلفه ارزشیابی برون‌داد فرایند بازنگری به خروجی‌های برنامه درسی پرداخته می‌شود؛ ارزیابی دائمی دانشجویان فارغ‌التحصیل، ارزیابی و آگاهی از ویژگی‌هایی که یک معلم در حرفه معلمی باید کسب کرده باشد و همچنین ویژگی‌ها و توانمندی‌های شخصیتی و ارتباطی در یک معلم شایسته. در گام پایانی به ارزیابی بازنگری برنامه هر ۳ تا ۴ سال پرداخته می‌شود.

الگوهای بازنگری برنامه درسی به دو گونه هستند؛ الگوهای مقطعی که در یک تناوب زمانی به بازنگری کلی در برنامه درسی می‌پردازند و الگوهای فرایندی که همراه و همگام با اجرای برنامه درسی به بازنگری فرایندی برنامه درسی می‌پردازند.

ارزشیابی بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان؛ مقطعی نیست بلکه با سیستم بازخورد و اصلاح، یک روند دائمی است. بازنگری برنامه درسی آموزش هنر؛ با نگاه جامع بر اساس تقویت قدرت مشاهده، کسب علاقه و نگرش مثبت، نسبت به حوزه هنر، توجه به طبیعت و کوشش در جهت درک و حفظ آن، یادگیری مشارکتی، شناخت هنرهای ایرانی-اسلامی و بومی، پرورش خلاقیت و تخیل و غیره در این برنامه، تدوین شده است. از آنجاکه جنبه متمرکز و از بالا به پایین ندارد، دستوری و تجویزی نیست؛ چراکه با مشارکت و حمایت افراد بومی مناطق، تمام مراحل بازنگری صورت می‌گیرد. همچنین در فرایند اجرای برنامه درسی به ارزیابی، پایش و آگاهی از نقاط ضعف و قوت برنامه درسی و بازخورد به برنامه درسی در ارزشیابی فرایندی و برون‌داد پرداخته می‌شود که نشان از فرایندی بودن بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دارد. از جهتی با مبتنی بودن بر، یک بازه زمانی ۳-۴ سال برای بازنگری بر اساس بازخوردهای فارغ‌التحصیل‌ها یا نقاط ضعف و قوتی که در طول اجرای برنامه درسی قادر به بهبود آنها نبوده است، پس جنبه دائمی نیز دارد. بازنگری برنامه درسی آموزش هنر دانشگاه فرهنگیان؛ غیرمتمرکز، فرایندی و دائمی است و رویکردی انعطاف‌پذیر و مشارکتی دارد.

فهرست منابع و مآخذ:

کتابها

گال م، بورگ و گال ج. (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق کمی و کیفی. ترجمه: احمدرضا نصر و همکاران، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.

مهر محمدی، محمود. (۱۳۹۰). برنامه درسی: نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها. ویراست سوم. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.

مهر محمدی، محمود. (۱۳۸۳). چپستی، چرایی و چگونگی آموزش عمومی هنر. تهران: انتشارات مدرسه.

موسی‌پور، نعمت‌الله: احمدی، آمنه. (۱۳۹۴). طراحی کلان برنامه درسی تربیت‌معلم. تهران: انتشارات دانشگاه فرهنگیان.

مقالات:

حسین قلی‌زاده، رضوان؛ آهنچیان، محمدرضا؛ کوهساری، معصومه و نوفرستی، علی. (۱۳۹۶). «تجربه بازنگری برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه فردوسی مشهد». نشریه نامه آموزش عالی، شماره ۹۷: ۴۰-۱۲۴.

سلیمی، لادن؛ کشتی آرا، نرگس و فتحی، کوروش. (۱۳۹۳). «تبیین سیر تحول و اصلاح نظام برنامه درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی در ایران». دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، شماره ۵۲: ۹-۷۳.

منابع لاتین:

Angela, T. (۲۰۱۷). An Examination of the Relationships between Agile Leadership Factors and Curriculum Reform in Higher Education. Thesis, District of Columbia; Maryland; Virginia.

Loughran, J. & Hamilton, M. L. (۲۰۱۶). International Handbook of Teacher Education (Vol. ۱). Singapore: Springer, Science+Business Media.

Marsh C J, Willis G. (۲۰۰۷). Curriculum: alternative approaches, on going issues. ۴th edition, Pearson: Merrill Prentice Hall, ۳۹۴p.

McKenna, S. (۲۰۱۳). Curriculum Renewal Road Map. HS Curriculum Renewal Project ۲۰۱۳.

UNESCO. (۲۰۱۰). EFA Global Monitoring Reports. Reaching the marginalized. Paris: UNESCO, Available: <http://unesdoc.unesco.org/imag->

es/۰۰۱۸/۰۰۱۸۶۶/۱۸۶۶۰۶e.pdf (last checked by the author on the ۱۰th of November ۲۰۱۰).

Usen, A. (۲۰۱۱). The Factors Influencing Class Teacher Students Evaluations Relating to the Quality of Initial Teacher Education in Tallinn University. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, ۲۹, ۱۲۸۹-۱۲۹۵.

Verma, V. (۲۰۱۴). Quality assurance in teacher education system. *Research Directions*, ۱(۲), pp. ۱-۵.

Yu, A. (۲۰۱۵). A Study of University Teachers' Enactment of Confucius in China. *International Education Studies*; Vol. ۸, No. ۱۱; pp ۱۱۳-۱۲۲.